



Reading the Medical File of Shahid Mohammad Javad Tondgouyan

Hassan Tofighi Zavareh^{1*}

¹ Professor of Forensic Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Received: 18 August 2018 Accepted: 16 September 2018

Abstract

Shahid Mohammad Javad Tondgouyan, was born in June, 1950. He was the minister of petroleum of the Islamic Republic of Iran when he was attacked by Iraqi army troop in 1980, while traveling to Abadan with an envoy. Contrary to international laws, they were kidnapped and taken to Iraqi territory. Despite the diplomatic measures, international efforts, mediation of the NAM, and actions of the Red Cross, the Iraqi government refused to liberate him. International news sources reported that he was tortured and suffered bleeding and his condition was deteriorating. The date and quality of this martyr's testimony is unknown. Four thousand eighty days after captivity, his body was returned to Iran with pride and honor. The method of identifying the body and documentation of torture and execution in prison, based on sound forensic evidence is reviewed in this article.

Keywords: Torture, Captive, Mohammad Javad Tondgouyan, Honor.

* **Corresponding Author:** Hassan Tofighi Zavareh

Address: Professor of Forensic Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Tel: -

E-mail: tofighih@gmail.com



بازخوانی پرونده پزشکی شهید محمدجواد تندگویان

حسن توفیقی زواره^{*۱}

^۱استاد رشته تخصصی پزشکی قانونی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۲۷ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

چکیده

شهید محمدجواد تندگویان متولد خرداد ۱۳۲۹، وزیر نفت دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹، در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۱ در حال سفر به آبادان از یک مسیر فرعی، با هیأت همراه، مورد تهاجم سربازان ارتش عراق قرار گرفته و برخلاف قوانین بین‌المللی ربوده و به خاک عراق برده شدند. علیرغم اقدامات دیپلماتیک و تلاش‌های بین‌المللی و میانجیگری جنبش غیرمتعهدها، و اقدامات صلیب سرخ جهانی، دولت عراق از آزادسازی وی امتناع نمود. گزارشات منابع خبری بین‌المللی حکایت از شکنجه، خونریزی و وخامت حال وی داشته است. تاریخ و کیفیت شهادت آن بزرگوار نامعلوم است، اما چهار هزار و هشتاد روز پس از اسارت، پیکر مطهر وی با عزت و افتخار به ایران بازگشت. نحوه شناسایی پیکر و اثبات شکنجه و اعدام وی در زندان به استناد شواهد پزشکی قانونی در این مقاله مرور می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شکنجه، اسیر، محمدجواد تندگویان، شهید، عزت.

* نویسنده مسئول: حسن توفیقی زواره

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

تلفن: -

ایمیل: tofighih@gmail.com

مقدمه

"شهید محمد جواد تندگویان در نهم آبان ۱۳۵۹ که برای نظارت به پالایشگاه آبادان به منطقه رفته بود، در جاده ماهشهر - آبادان به همراه معاون و دیگر همراهانش به اسارت رژیم بعث درآمد و به زندان‌های اسیران ایرانی در عراق منتقل شد. به نقل از برخی از اسیران، وی تا مدت‌ها زنده بوده و حتی از شکست حصر آبادان (مهر ۱۳۶۰) و آزاد سازی خرمشهر (خرداد ۱۳۶۱) آگاهی یافته و برای پیروزی رزمندگان دعا کرده بود. پس از پایان گرفتن جنگ و تبادل اسراء و شهدا میان دو طرف، پیکر پاک شهید تندگویان که در اثر شکنجه‌های دشمن به شهادت رسیده بود، پس از طواف مرقد مطهر حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در کربلا، به میهن بازگردانده و در سال ۱۳۷۰ در ایران به خاک سپرده شد" (۱). با نزدیک شدن زمان برگزاری اجلاس وزیران نفت اوپک در بالی اندونزی در ۲۴ آذر ۱۳۵۹-۱۵ دسامبر ۱۹۸۰، دولت ایران درخواست کرد که موضوع حمله عراق به ایران و اسیر شدن وزیر نفت در دستور کار اجلاس قرار گیرد؛ اما با تلاش عراق و چند کشور حامی آن، این موضوع از دستور کار اجلاس حذف شد و به هیئت ایرانی فقط اجازه داده شد در این خصوص بیانیه‌ای صادر کند. در دوران اسارت، تنها دو نامه از وی به خانواده اش رسید که آخرین نامه مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۱ است (۲).

گزارش شفاهی واقعه

بعد از پذیرش قطعنامه ۵۶۸ توسط ایران و اعلان آتش بس

بعد از آتش بس و پذیرفتن قطعنامه توسط جمهوری اسلامی ایران، فضایی ایجاد شد تا به وضعیت اسراء و مفقودین رسیدگی شود. نویسنده که در آن زمان رئیس سازمان پزشکی قانونی جمهوری اسلامی بود، به اتفاق تیمی برای روشن شدن سرنوشت شهید تندگویان و تحویل گرفتن جسد مطهر آن بزرگوار به عراق سفر نمودند. در این سفر اتفاقات تکان دهنده‌ای رخ داد که به بعضی از آن خاطرات اشاره می‌شود. خاطرات و اتفاقات این سفر بخشی از تاریخ درخشان انقلاب و دفاع مقدس است. پس از گذشت حدود ۱۱ سال با آزاد شدن تدریجی اسراء ایرانی در ۱۳۶۹ شمسی، اخباری حاکی از زنده بودن تندگویان انتشار یافت؛ ولی دولت عراق اعلام کرد که وزیر نفت سابق ایران در ۱۳۶۱ شمسی مقارن با ۱۹۸۲ میلادی در سلولش خودکشی کرده است. در پی انتشار این خبر، در ۱۴ آذر ۱۳۷۰ هیئتی از ایران برای روشن شدن واقعیت امر به عراق سفر کرد. نظر هیئت ایرانی این بود که تندگویان زنده است، اما عراقی‌ها از همان ابتدا با ارائه مدارکی شامل عکس و گواهی فوت و گزارش پزشکی قانونی، این نظر را رد کردند (جوانبخت، ص ۲۶).

پس از قطعی شدن شهادت آزاده سرافراز، محمدجواد تندگویان، عراق از استرداد پیکر او امتناع نمود که سرانجام با

پیگیری و پافشاری ایران، جنازه مومیایی شده اش پس از گذشت ۱۱ سال از زمان اسارت، تحویل گرفته و به ایران انتقال یافت و در ۲۹ آذر ۱۳۷۰ در قطعه ۷۲ تن (شهدای ۷ تیر ۱۳۶۰) بهشت زهرا به خاک سپرده شد. هیئت ایرانی بر مبنای مشاهدات و معاینات کالبد شکافی، تاریخ شهادت وی را در فاصله سالهای ۱۳۶۸-۱۳۶۷ هجری-شمسی دانسته‌اند (۳).

مشخصات هویتی

در آذرماه سال ۱۳۷۰ در معیت تیمی متشکل از نمایندگانی از ارگان‌های نظامی و امنیتی، نماینده‌ای از طرف خانواده شهید، یکی از آزادگان همراه شهید در زمان اسارت (آقای یحیی، معاون و همراه و هم‌سلول روزهای اول اسارت شهید تندگویان)، دندانپزشک معالج (آقای دکتر اعتمادی که از دوستان صمیمی شهید در زمان حیات وی بود، و در سفر حضور داشت) در دوره قبل از اسارت شهید، و رئیس وقت سازمان پزشکی قانونی کشور، که از طرف وزارت امور خارجه تعیین شده بود، به عراق سفر نمودیم. قبل از سفر در جلسه هماهنگی در وزارت امور خارجه، پیشنهاد نمودم که همه مشخصه‌های هویتی شهید را در اختیار داشته باشیم، شامل: مشخصه‌های دندانانی و ردیف دندان‌ها، طول قد، آثار و علائم ظاهری روی پوست و در قسمت‌های مختلف بدن (که ممکن است از بین رفته باشند)، و مشخصات استخوانی (که به طور ثابت وجود دارند).

تمام مشخصات هویتی دندانانی در پرونده دندانپزشکی نامبرده نزد دندانپزشک معالج و رادیوگرافی‌هایی که از ایشان تهیه شده بود. مثلاً از استخوان‌ها، دنده‌ها و قفسه صدری (به علت بیماری‌های ریوی) نزد خانواده اش موجود بود، همه را دریافت نمودیم. تا آن زمان دستگاه‌های تشخیص DNA و تعیین مشخصات هویتی ژنتیکی، در اختیار سازمان پزشکی قانونی قرار نداشت و در کشور عراق نیز این امکانات موجود نبود.

گزارش اجمالی جریانات مهم و مرتبط با کشف و اثبات

قتل شهید تندگویان در سفر هیأت ایرانی

شروع سفر، سیزدهم یا چهاردهم آذر ماه ۱۳۷۰ بود. هیأت عراقی از مرز قصرشیرین هیأت ایرانی را تحویل گرفت. ما را در هتل الرشید بغداد اسکان دادند.

اولین مذاکره رسمی در وزارت خارجه عراق با تیم عراقی به سرپرستی آقای دکتر فهمی (دکترای حقوق بین الملل از فرانسه) انجام شد. یک سرتیب عراقی که مدعی تحصیلات پزشکی قانونی در انگلستان بود و چند نفر دیگر، تیم عراقی را تشکیل می‌دادند. تیمی از صلیب سرخ متشکل از نماینده صلیب سرخ و یک نفر استادیار دانشکده پزشکی وین اتریش، به صورت مرضی طرفین در جلسات شرکت داشت. پس از رسمیت جلسه، از این هیئت خواستیم که پرونده شهید تندگویان را که مدعی بودند در بازپرسی

هست، به ما ارائه کنند. آن‌ها قویاً و شدیداً مدعی بودند شهید تندگویان خودکشی کرده است.

از آنها خواستیم که مدارکی را که برله این ادعا دارند نشان دهند. گفتند پرونده‌ها در بازپرسی بود و آن بازپرسی آتش گرفته و پرونده ابداً در دسترس ما نیست. گفتیم شرح معاینه جسد ایشان را به ما بدهید. گفتند آن هم در آن جا از بین رفته است. هر مدیکی مطالبه کردیم، گفتند موجود نیست و نداریم. نتیجه گرفتیم که با افرادی طرف هستیم که به هیچ وجه منطق علمی و پزشکی و قضائی ندارند. جلسه در پایان به این ختم شد که روز بعد تیم‌های طرفین و تیم صلیب سرخ در گورستان بغداد حاضر و قبری که مدعی بودند متعلق به شهید تندگویان است نبش و جسد بیرون آورده و معاینه شود.

پس از نبش قبر، جسدی کاملاً فاسد شده خارج و با آمبولانس نظامی به بیمارستان الرشید نظامی بغداد منتقل شد. بیمارستان دو نفر متخصص پزشکی قانونی داشت، یک نفر آزاد و یک نفر نظامی. از نظر تشکیلات پزشکی قانونی محلی را معرفی کردند که سالن تشریح بود. جسد به آنجا منتقل شد. برای محکم کاری با جسد رفتیم قسمت رادیولوژی و در سه جهت روبر، مایل و از پهلو رادیوگرافی گرفتیم (قاعده پزشکی قانونی برای تعیین وضعیت استخوان‌ها). سه نسخه از کلیشه‌ها چاپ شد و یک نسخه را ما نزد خود نگه داشتیم، یک نسخه را به سرتیب عراقی و نسخه آخر را به صلیب سرخ تحویل دادیم. با توجه به فساد نعشی طبق فرمول‌های پزشکی قانونی، از طریق مشخصات ثابت نظیر دندانها و استخوان‌ها می‌توانستیم برای اثبات جنسیت و اثبات یا رد هویت اقدام کنیم.

طبق فرمول مندرج در کتب پزشکی قانونی از روی اندازه استخوان‌های دراز مثل ساق پا، بازو، ران و لگن تشخیص جنسیت مقدور می‌شود. آقای پروفیسور مارکواز پزشک قانونی ایرانی درخواست کرد کالبدگشایی را انجام دهد و ایشان ناظر باشد، چون سن پزشک قانونی ایرانی هم از ایشان بالاتر بود. خواهش کردم قلم و کاغذ در دست گرفته و مشاهدات را ثبت کند. فیلم برداری هم انجام می‌شد و بعدها یک نسخه از فیلم‌ها به کنسول‌گری ایران در بغداد تحویل شد. بعد از اندازه‌گیری استخوان‌ها و ثبت آنها توسط پروفیسور مارکو، آقای دکتر اعتمادی وضعیت دندان‌ها و دهان را بررسی نمود. محاسبات ما نشان داد که قد این جسد حدود ۱۹۰ سانتی متر است، درحالی که قد شهید تندگویان ۱۷۰ سانتی متر بوده است.

نماینده صلیب سرخ همه چیز را یادداشت می‌نمود. با کمک دکتر اعتمادی پس از تمیز کردن دندانها و بررسی دقیق آنها مشخص شد، مشخصات دندان‌ها نیز تطابق ندارد. این جا برای ما محرز شد، جسد متعلق به شهید تندگویان نیست. در حضور نمایندگان صلیب سرخ و هیأت‌های پزشکی طرفین، نتایج را دقیقاً مرور و ثابت کردیم جسد متعلق به شهید تندگویان نیست. سرتیب عراقی هم چنان بر ادعای خود مصر بود. شب قبل به اتفاق

دکتر اعتمادی تمام مشخصات هویتی را نوشتیم و در یک پاکت مهر و موم نموده، به نماینده صلیب سرخ تحویل داده بودیم و از ایشان قول گرفته بودیم که به هیچ وجه باز نشود و تنها در جلسه‌ای که همه هیأت‌ها حضور داشته باشند، باز بشود. با توجه به عدم پذیرش هیأت عراقی، در جلسه‌ای با حضور همه هیأت‌ها از نماینده صلیب سرخ خواهش کردیم آن پاکت امانتی را بازکنند. در پاکت مشخصات هویتی شهید تندگویان ثبت شده بود. آقای پروفیسور مارکو هم مشخصه‌های هویتی جسد مورد معاینه را ثبت کرده بود. از ایشان پرسیدم آیا مطابقت دارد یا ندارد. پس از بررسی دقیق گفت: هیچ تطبیق نمی‌کند. در دل خدا را شکر کردیم که وظایف خود را به عنوان کارشناسی با امانت و صداقت ادا کردیم. بعد از اتمام جلسه قرار شد روز بعد ما را به مرز برگردانند. آقای یحییوی که روزگاری هم سلول شهید تندگویان بود، نشانه‌هایی داشت که به هیچ عنوان اجازه ندادند محل نگه‌داری پرونده و وسایل شخصی و البسه یعنی همان محل بازپرسی را بازدید کنیم. بر خلاف قرار، صبح روز بعد هیأت عراقی برای انتقال ما به مرز خسروی مراجعه نمود. بعد از ظهر آمدند و رئیس هیأت یعنی آقای دکتر فهمی اقرار کرد که جنازه قبلی متعلق به شهید تندگویان نبوده و مسئول گورستان اشتباه کرده است! و قبر دیگری باید نبش شود. با توجه به لزوم حضور هیأت صلیب سرخ، و تا زمان برگشت آنها، یک هفته دیگر در بغداد ماندیم. موقعی که نبش قبر شد، متوجه شدیم که خاک روی قبر تازه است. به هیأت صلیب سرخ و هیأت عراقی تذکر دادیم که این خاک، تازه است. آن جا فهمیدیم که این یک هفته را بهانه آوردند که جسد را بیآورند این جا به خاک بسپارند و بعد نبش قبر کنند. در زمان شروع تشریح جسد، متوجه شدیم که جسد مومیایی شده است. در جسد مومیایی شده، تمام پوست و صورت و بدن چروکیده می‌شود ولی عضلات و نسوج زیر پوست به حالت تازه باقی می‌ماند. خاصیت مومیایی این است که از عفونت و فاسد شدن جلوگیری می‌کند.

روش مومیایی نیز این است که داروهایی را در رگ‌ها وارد می‌کنند تا از طریق شبکه عروقی و مویرگ‌ها وارد عضلات و سایر قسمت‌ها شده، عضلات داخلی و امعاء واحشاء را تازه نگه‌می‌دارد و از عفونت و فساد عضوی جلوگیری می‌شود.

مشخصات ظاهری شهید قابل تشخیص نبود. طراوت مورد انتظار از جسد مومیایی شده، تحت تأثیر یک هفته‌ای که زیر خاک قرار گرفته بود، از بین رفته بوده، باز هم می‌بایست دنبال آن مشخصه‌های هویتی داخلی و ثابت می‌بودیم (وضعیت دندان‌ها و اندازه‌گیری قد از روی استخوان‌های دراز). بررسی استخوان‌ها و آن اندازه‌هایی که از قبل داشتیم و استفاده از فرمول و نیز بررسی دقیق دندانها، نشان داد که جسد با مشخصات ثابت هویتی شهید تندگویان تطبیق می‌کند. با بررسی‌های دقیق تر و مشاهدات بیشتر توسط دکتر اعتمادی، آزاده هم بند شهید در ابتدای اسارت، برایمان مشخص شد که مطمئناً جسد متعلق به شهید تندگویان است.

شواهد پزشکی قانونی مبنی بر شکنجه و قتل

ابتدا از جسد شهید تندگویان رادیوگرافی گردن، جمجمه، ستون فقرات، قفسه صدری و اندام ها، انجام و در سه نسخه کلیشه‌ها را تهیه نمودیم. به هر هیأت یک نسخه تحویل داده شد. بررسی رادیولوژی شکستگی دنده‌های خلفی قفسه صدری را نشان می‌داد. در کالبد شکافی کاملاً مشخص شد که ۴ دنده در قوس دنده‌ای پشت، سمت راست و چپ شکستگی واضح داشت. در کالبدگشایی، در ناحیه جلوی گردن، شکستگی استخوان لامی، بوضوح معلوم بود. استرانگولاسیون جنایی (خفه کردگی با جسم رشته مانند)؛

علت مرگ شهید تندگویان

با دلایل قوی مرگ در اثر خودکشی نبوده، بلکه با اقدامات خشونت آمیز وضد انسانی جنایی صورت گرفته است.

رئوس دلائل به شرح زیر است (۴):

- در خودکشی شیار دارآویختگی در ناحیه گردن برخلاف شیار استرانگولاسیون، به شکل مایل است.
- در خودکشی این شیار معمولاً کامل نیست و تمامی دور گردن را فرا نمی‌گیرد و اغلب در محل گره و آویزان شدن فرد طناب از گردن فاصله می‌گیرد؛ در نتیجه، شیار مایل ناشی از دار آویختگی حالت ناقص پیدا کند.
- شیار در بالاترین قسمت گردن و درست زیر چانه و فک قرار دارد و ناقص است. یعنی به طور کامل گردن را دور نمی‌زند و علت آن فاصله گرفتن گره طناب در یک سمت با گردن خواهد بود.
- شیار دارآویختگی اغلب به صورت یک شیار فرو رفته است که ابتدا کم خون و رنگ پریده است و به تدریج قهوه‌ای رنگ شده، حالت چرمی پیدا می‌کند.
- اغلب شکستگی یا دررفتگی مهره‌های گردنی و قابع نخاع یا آسیب شدید آن یا حتی در مراکز تحتانی مغز رخ میدهد. در این حال است معمولاً دررفتگی و ازهم‌گسیختگی بین مهره های دوم و سوم یا سوم و چهارم گردنی صورت می‌گیرد. مهره های تحتانی گردنی به ندرت آسیب می‌بینند.
- در استرانگولاسیون (خفه کردگی) معمولاً تنه استخوان هیوئیدیا استخوان لامی یا تنه شاخه های استخوان هیوئید می‌شکند. در صورتی که در حلقه آویز اگر هیوئید بشکند آن قسمت بالا، سراسر استخوان هیوئید ممکن است بشکند و بسیاری از مواقع هم نمی‌شکند.
- دلیل قوی دیگر مبنی بر خفه کردگی، شکستگی استخوان‌های دنده پشتی در طرفین است.

بازسازی صحنه قتل شهید تندگویان در زمان اسارت

هیأت عراقی مدعی بودند که شهید تندگویان خودش را حلق آویز کرده است. شواهد قطعی بالا، ثابت نمود، علت منجر به

فوت، خفه کردگی با جسم طناب مانند (در اصطلاح پزشکی قانونی؛ استرانگولاسیون) بوده است. حلقه آویز هم معمولاً با جسم طناب مانند و رشته مانند انجام می‌شود که در کالبد شکافی علائم متفاوتی دارد. علائم ظاهری استرانگولاسیون معمولاً به صورت افقی هست که این قابل تشخیص روی آن جسد نبود. در حلقه آویز معمولاً شیار روی گردن به صورت مایل است و تا پشت سر ادامه می‌یابد. شیار روی جسد قابل تشخیص نبود. شاهد مهم دیگر استخوان لامی بود. در استرانگولاسیون معمولاً تنه استخوان هیوئید (استخوان لامی) یا تنه ی شاخه های استخوان هیوئید می‌شکند. در صورتی که در حلقه آویز اگر هیوئید بشکند، قسمت بالا، یعنی سراسر استخوان هیوئید ممکن است بشکند و بسیاری از مواقع هم نمی‌شکند. علت هم این است که در حلقه آویز طناب موقعی که به گردن می‌افتد، در قسمت بالای هیوئید قرار می‌گیرد و دیگر به استخوان اصابت نمی‌کند. در صورتی که در استرانگولاسیون طناب در قسمت وسط هیوئید قرار گرفته و کشیده می‌شود. در معاینه جسد تنه استخوان هیوئید شکستگی واضح داشت. شاهد دیگر شکستگی ۴ دنده پشتی در طرفین و در محاذات یکدیگر بود. به احتمال بسیار زیاد و نزدیک به یقین، قاتل یا قاتلین، طناب را به گردن شهید انداخته، با زانو و یا با هر جسمی دیگر، در ناحیه پشت قفسه صدری آنچنان وحشیانه و با شدت عمل و بیرحمانه فشار داده بودند، که هم دنده ها شکسته بود و هم موجب خفگی شده بود. مجموع مشاهدات، معاینات، رادیوگرافیها و رفتار متناقض هیئت عراقی، در حضور نمایندگان صلیب سرخ بین‌المللی، پرده از این جنایت ضدبشری برداشت. گزارش کاملی از مشروح اقدامات تهیه و با امضای هر سه هیئت و منضم به کلیه مستندات برای صلیب سرخ جهانی در اتریش ارسال شد. یک نسخه به هیأت عراقی و یک نسخه نیز به هیأت ایرانی تحویل شد. نسخه اخیر در اختیار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد قرار گرفت و به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تحویل گردید.

انتقال جنازه مطهر شهید به ایران و ادامه بررسی‌ها در

سازمان پزشکی قانونی جمهوری اسلامی ایران

بعد از اتمام تشریفات قانونی و اثبات هویت و علت فوت، پیکر مطهر تحویل هیئت ایرانی شد. پس از ادای احترامات مذهبی و تشییع جنازه در نجف (حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام)، کاظمین (ضریح مطهر امام جواد و امام هادی علیهم السلام) و کربلا (طواف ضریح مطهر حضرت سیدالشهداء و حضرت ابوالفضل علیهم السلام)، پیکر مطهر شهید به ایران منتقل شد. در ایران استقبال پرشور خانواده، دوستان، آزادگان، رزمندگان، مقامات لشکری و کشوری و مردم شریف ایران، به رسم قدرشناسی و بزرگداشت آزاده ای سرفراز از سلاله شهیدان خدائی و مدافعان سلحشور اسلام و انقلاب انجام شد. پس از مراسم استقبال، جنازه مطهر برای ادامه بررسی ها تحویل سازمان پزشکی قانونی شد. کلیه مستندات در

قتل عمد نه تنها از نظر وقوع جنایت و گرفتن جان یک انسان مظلوم، مهم است، از نظر تأثیر سوء بر جامعه، ایجاد رعب، احساس نا امنی، تزلزل سلامت و امنیت روانی حائز اهمیتی مضاعف است. یکی از راههای کشف جرائم مهمی نظیر قتل، اقدامات دقیق پزشکی قانونی است. این اقدامات که بر پایه های مستندات دقیق و تجارب عمیق استوار است، در کشف حقایق و اجرای عدالت دارای ارزش فوق العاده است (۶).

از نظر جرم شناسی، در مواردی که علت مرگ معلوم نباشد و احتمال وقوع جنایت در میان باشد، با معاینه و کالبد شکافی جسد توسط پزشکی قانونی، در مورد نحوه و علت حدوث مرگ اظهار نظر می شود و مستندات جمع آوری می گردد.

بخش تشریح از حساس ترین و تخصصی ترین قسمت های پزشکی قانونی است. در اجساد که مدت طولانی از زمان مرگ سپری شده باشد و آثار و علائم موجود از بین رفته باشد، مؤثرترین اقدام در کشف قتل انجام تشریح توسط تیم پی جو (پزشکی قانونی، تشخیص هویت، ناظرین قضائی) می باشد (۷). در مورد شهید تندگویان این شرایط فراهم و در نهایت موجب کشف علت قتل (استرانگولاسیون) در آن بزرگوار شد.

موضوع بی تفاوتی سازمان صلیب سرخ بین المللی در اعلام رسمی حقیقت به اثبات رسیده در مورد محمد جواد تندگویان (تحمل شکنجه و قتل عمد به روش استرانگولاسیون در زمان اسارت توسط مأموران رژیم بعثی عراق)، مسئله حائز اهمیت دیگری است، که نیاز به افشاگری و پیگیری جدی دارد. شایسته است مسئولین وزارت امور خارجه و هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، موضوع را پیگیری نمایند تا ضمن اعلان این حقیقت تلخ واقع شده در دوران جنگ تحمیلی به مردم دنیا و وجدان های بیدار بین الملل، از نهادهای بی طرف بین المللی در مناقشات فراوان بین گروه های متخاصم در زمان جاری و آینده، استفاده صوری و یا ابزاری و یا سوء استفاده بعمل نیاید. با درود به روان پاک آزاده مظلوم و مقاوم و شهید سرفراز محمد جواد تندگویان و همه شهدای راه حق و فضیلت و انسانیت. والسلام.

تضاد منافع: در این مطالعه هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

1. "OPEC and the war" in the collection of documents of the Foundation for the Preservation of the Relics and Values of the Holy Defense, file of the International Assemblies, Code 6.
2. Javanbakht M. The story of that strange man. Tehran. Nashr shahed; 2001. p.84.
3. Mohammad Javad tonggooyan: Encyclopedia of the Islamic World. <http://wiki.ahlolbait.ir>
4. Parsi 1: Self-hanging. Investigation of suicide or murder. <https://www.parsi1.com>

آرشیو پزشکی قانونی باید موجود باشد. بعدها علیرغم پیگیری های متعدد، از صلیب سرخ جهانی هیچ پاسخی دریافت نشد. گزارشی از موقوف به حضرات آیت الله یزدی و آیت الله هاشمی رفسنجانی رؤسای وقت رئیس قوه قضائیه وقوه مجریه ارائه گردید. این مأموریت دشوار و غم انگیز، پرده از یکی از هزاران جنایت ضد انسانی رژیم منحوس و ضد بشری بعثی عراق برداشت.

بحث

"تکلیف پزشکان قانونی در معاینه اجساد، داشتن تخصص در امر ارجاعی، اعلام نظر آنان در ظرف زمانی تعیین شده، مورد اعتماد مرجع قضایی بودن، تقدم رجوع به پزشکان قانونی نسبت به سایر پزشکان است که در مواد مختلف مورد اشاره قانون آیین دادرسی کیفری قرار گرفته است" (۵). مصاحبه های تاریخ شفاهی در جستجوی رمزگشایی و کشف حقایق است. کشف حقایق بسیار بزرگ و بعضاً تکان دهنده و بعضاً سرنوشت ساز، تاریخ ساز و تمدن ساز در دفاع مقدس. قطعاً یکی از آن ها جریان شهادت مظلومانه شهید تندگویان، اسطوره صبر و مقاومت در اسارت خواهد بود. این مطلب از دو بعد بررسی می شود. بعد اول تنظیم یک گزارش علمی از کشف یک حقیقت در دوران اسارت در دفاع مقدس است که با ادبیات علمی و برای جامعه پزشکی تنظیم شده است. بعد دیگر گزارش فرهنگی برای ترویج ارزش ها در دفاع مقدس برای همه ی مردم این نسل، این دوره و نسل های آینده. بعد اول در این گزارش علمی ارائه شده و بعد دیگر، مرهون تلاش های فرهنگی است. موضوع محوری این گزارش علمی اثبات شکنجه و قتل عمد، آزاده ای مقاوم، صبور و نستوه و در اوج مظلومیت، توسط رژیم منحوس بعثی در دوران دفاع مقدس است:

- ارتکاب جنایت وحشیانه قتل عمد و شکنجه
- نقض همه موازین بین المللی و کنوانسیون های موجود در مورد اسیران جنگی
- بی توجهی به وظایف انسانی و موازین دینی در قبال جنازه مقتول
- بی حرمتی نسبت به پیکر مطهر آزادگان شهید و نهایتاً؛
- استتکاف از پابندی به موازین دیپلماتیک، اخلاقی و علمی در دوره رسیدگی، با حضور نمایندگان بین المللی

5. Dailami S, Rezaei Rad A. A study of the field of corpse examination in forensic medicine. World Conference on Psychology and Educational Sciences, Law and Social Sciences at the beginning of the third millennium, Shiraz, Green Industry Idea Market Research Company. <https://www.civilica.com/doc/516643>
6. Ghanizadeh S, Alizadeh A. The role of forensic medicine in the discovery of murder cases. Detective. 2013; 6(2): 112-131.